

نگاهی به زندگی کارگران در جزیره قشم



کارگری از قشم / دیماه ۱۴۰۰



است تن می دهند. بخشی از این کارگران به مناطق روستایی و شهرهای کوچک واز جمله جزایر هنگام و قشم می روند. جزیره قشم فاقد امکانات بهداشتی است و فقط یک مرکز بهداشت و بیمارستان کوچکی دارد. مردم برای مراجعه به پزشک متخصص و مسایل آزمایشگاهی و رادیولوژی به بندر عباس میروند. این در حالی است که این جزیره یکی از مراکز عمده گاز و نفت ایران است. میدان گازی گورزین و سکوهای نفتی در حال ساخت و استخراج نفت و دیگر میعانات گازی زیر نظر سپاه مدیریت میشوند. در شرکت‌های پیمانکاری و پروژه ای حدود ۲۰۰۰ کارگر در میدان های گاز و سکو های نفتی برای صاحبان سرمایه چون سپاه و دولت تولید ارزش

کارگران افغانی برای فروش نیروی کارشان در سراسر جهان پراکنده اند. بخشی از این کارگران مهاجر چه افغانی چه سوریه ای و چه افریقایی برای فروش نیروی کارشان به مقصد هم نمی رسند و خوراک کوسه های دریا میشوند. این بخش از هم زنجیران ما برای زنده ماندن به سخت ترین کارها تن می دهند. با روی کار آمدن دولت سرمایه داری فاشیستی طالبان، مهاجرت کارگران افغان افزون و افزونتر شده است. در ایران هم بسیاری از این همزنجیران افغانی برای زنده ماندن به هر کاری تن میدهند. برای آنکه نیروی کارشان را بفروش برسانند و دور از چشم پلیس سرمایه ایران در امان باشند به کارهایی چون حفر چاه که هر آن احتمال مرگ در کمینشان

اضافه میکنند. علاوه بر این شهرک صنعتی هم وجود دارد که تعدادی از شرکتهای تعطیل و نیمه تعطیل در آن قرار دارند. شرکت فعال آن سوپر پایپ است که در تهران و در چند شهر دفتر نمایندگی دارد. این جزیره با وجود ثروت زیاد از کمترین امکانات برخوردار است. پالایشگاه پارس بهین پالایش از مهمترین مراکز تولیدی جزیره است که در تولید و پالایش میعانات نفتی و گازی و ارسال آن به بندرعباس بوسیله لوله و صدور آن به خارج فعالیت دارد. در این جزیره توریست پذیر حدود ۴۰ هتل و مهمان پذیر وجود دارد. علاوه بر این در زمانی که جمعیت توریست فزونی پیدا میکند ساکنین جزیره خانه های خود را به توریستها اجاره میدهند. کارگران مهاجر در این جزیره به کارگران افغانی محدود نمیشود، بلکه کارگران هندی و پاکستانی هم برای کار به این جزیره پناه می آورند. آنهایی که مجوز کار دارند در شرکتهای پیمانی یا هتلهای به کارهایی چون نظافت و نگهبانی می پردازند. بخش عمده این کارگران که فاقد مجوز هستند به کارهایی چون حفر چاه و کار روی قایق های ماهیگیری روی می آورند. قشم بعد از کیش بیشترین توریست را دارد. عمده کارهای خدمات شهری را که شهرداری عهده دار آن است کارگران مینابی انجام میدهند. کارگران افغانی و پاکستانی برای کارهای سختی

مثل لایروبی جداول و کانالهای خیابانها و فاضلاب ها با کمترین دستمزد به کار گرفته می شوند. وجود کارگران افغانی و هندی و پاکستانی و غیره نشان از این واقعیت است که کارگران وطن ندارند . بطور معمول رابطه ای دوستانه بین کارگرانی که از کشور های مختلف به قشم آمده اند وجود دارد. وطن، ملت و ... فرهنگ دولتهای سرمایه داری است. هجوم کارگران مهاجر از این روست که هوای جزیره نسبت به اکثر مناطق ایران گرمتر بوده و کارگران بدون مجوز این امکان را دارند که در گوشه ای جای خوابی پیدا کنند و خود را از چشم پلیس سرمایه مخفی دارند و در زمان بارندگی با سایبان کردن پلاستیکی خود را از گزند باران دور دارند . معتادان و بی خانمان هم بطور فصلی و مشخصاً در فصول سرد به قشم می آیند. در کنار دریا جایی را برای به صبح رساندن پیدا می کنند. بخشی از معیشت آنان از راه فروش مواد مخدر به مسافرین تامین می شود. قشم علیرغم زیبایی و مکانی برای گردشگری، برای کارگران جهنمی است که تنها به خاطر زنده ماندن به آنجا مهاجرت می کنند. اعتراضات پراکنده ای از چند سال پیش که بحران های معیشتی گسترده تر شد در نقاط مختلف جزیره شکل گرفت که متاسفانه بسان نقاط دیگر ایران پراکنده و بدون همبستگی کارگران بود.